



| ۹۹ | دسترسی بخاری به روایات امام صادق علیه السلام
احمد رضا کرمی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شماره ۷۴ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۱، ص ۹۹-۱۳۷

دسترسی بخاری به روایات امام صادق علیه السلام^۱

احمد رضا کرمی

چکیده:

امام صادق علیه السلام جایگاه مهمی در حدیث مسلمانان عصر خویش داشته‌اند با این وجود بخاری در کتاب الجامع الصحیح خود از ایشان روایتی نقل نکرده است که این موضوع مورد توجه بزرگان حدیث شیعه و عامه قرار گرفته است. در بررسی عوامل این پدیده، برخی به وجود راویان بد نام در بین حاملان حدیث حضرت و عدم وجود طرّقی اعتمادآور برای صاحبان منابع خصوصاً بخاری اشاره کرده‌اند در حالیکه به نظر می‌رسد این عامل، مانع اقبال به روایات امام صادق علیه السلام از سوی صاحبان منابع حدیثی عامه نبوده است. این پژوهش می‌کوشد، دسترسی بخاری به روایات امام صادق علیه السلام جهت استفاده در الجامع الصحیح را نشان دهد.

کلید واژه‌ها:

امام صادق علیه السلام، صحیح بخاری، طرق روایات بخاری، روایات امام صادق علیه السلام.

۱. احمد رضا کرمی، دکتری علوم قرآن و حدیث.

۱. درآمد

از قرون ابتدایی تا کنون، مهم‌ترین منبع حدیثی در بین اکثریت عامه، کتاب الجامع الصحیح - صحیح بخاری - اثر محمد بن اسماعیل بخاری بوده است. فارغ از سیر تغییرات و تطورات در اهمیت یابی صحیح بخاری (رک: The Canonization of al-Bukhārī and Muslim, Jonathan Brown) نمی‌توان از نقش و تأثیرگذاری بی‌بدیل این کتاب در حدیث عامه چشم‌پوشی نمود.

اهمیت صحیح بخاری موجب شده تا راویانی که در اسناد این کتاب جای دارند مورد توجه ویژه محدثین و اهالی حدیث قرار گیرند. و از یک قرن پس از بخاری، کتبی مختص این موضوع نگاشته شود.^۱ این اهمیت تا جایی بوده که به نظر می‌رسد تنها نقل بخاری از یک راوی باعث اعتبار یابی او در سده‌های بعدی شده است. به عنوان نمونه نام برخی از کتب یا مقدمه آنها که در این موضوع تألیف شده موید این دیدگاه است. عبدالله بن عدی جرجانی (م ۳۶۵)، در مقدمه مختصر کتاب خویش با عنوان «من روی عنهم البخاری فی الصحیح» بیان می‌کند که به دنبال معرفی راویان حدیث صحیح بخاری و بیان علم و زهد آنها است. (جرجانی، ۱۴۱۸، ص ۷) این در حالی است که در بررسی یک مجموعه از راویان معمولاً به جنبه‌های مختلف قوت و ضعف آنان می‌پردازند. همچنین نام‌گذاری مؤلف دیگر، ابونصر کلاباذی (م ۳۹۸) نشانگر این موضوع است. عنوان کتاب وی «رجال صحیح البخاری الهدایه والارشاد فی معرفة اهل الثقة و السداد» است که نشان می‌دهد صرف حضور یک راوی در طرق صحیح بخاری باعث اعتبار یابی می‌شده است.

۱. از جمله این کتب در قرن چهارم، کتاب «من روی عنهم البخاری فی الصحیح»، اثر عبدالله بن عدی جرجانی (م ۳۶۵)، کتاب «اسامی مشایخ البخاری»، اثر ابوعبدالله محمد بن إسحاق بن محمد بن یحیی بن مئده العبدي مشهور به ابن منده (م ۳۹۵)، کتاب «رجال صحیح البخاری، الهدایه والارشاد فی معرفة اهل الثقة و السداد»، اثر أحمد بن محمد أبونصر البخاری الکلاباذی، کتاب «تسمیه من اخرجهم البخاری و المسلم» اثر ابوعبدالله کتاب «الحاکم محمد بن عبد الله النیسابوری معروف به حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)».



در کنار این برخی از حدیثیان به مسئله نقل یا عدم نقل از روایان در صحیح بخاری پرداخته‌اند، تا جایی که بعدها حضور یا عدم حضور راوی در صحیح بخاری و نیز صحیح مسلم به عنوان یکی از شاخص‌های کتب رجالی در معرفی روایان قرار گرفته است.^۱

لذا اینکه بخاری از راوی مشهور و مقبولی نقل روایت ننموده باشد نیز؛ از مسائل برخی محدثین و بزرگان علم حدیث بوده است. به عنوان گزارش خطیب بغدادی نسبت به نقل نکردن بخاری از یکی از اصحاب پیامبر ﷺ به نام ابوالطفیل (م ۱۰۲ یا ۱۰۷ یا ۱۱۰) نشان می‌دهد این موضوع از همان اوائل مورد توجه بوده است. (البخاری، ۱۴۰۷، کتاب العلم، باب ۴۹)^۲ و علت آن را افراط ابوالطفیل در تشیع دانسته‌اند. (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۱) این در حالی است که ابوالطفیل در زمره آخرین صحابه‌ای بود که از دنیا رفتند و در واقع یکی از حلقه‌های وصل با اهمیت بین صحابه و تابعین و حتی اتباع تابعین بوده است (مباحثات آیه الله غیب غلامی، ۱۳۹۳ ه.ش). تا جایی که افرادی از طبقه پنجم که در اوائل نیمه دوم قرن دوم از دنیا رفتند روایات فراوانی از او نقل کردند.^۳ این سوال درباره ابان بن تغلب به عنوان یک راوی مهم ابتدای قرن دوم که لاقلاً باید وی را از اتباع تابعین دانست^۴ نیز وجود دارد.

اما شاید مهمترین ابهام نسبت به نقل نکردن از روایان مهم، این است که بخاری در مهمترین کتاب خود یعنی، الجامع الصحیح هیچ روایتی از امام صادق علیه السلام نقل

۱. مزی در تهذیب الکمال و ابن حجر در تهذیب التهذیب ذیل ترجمه روایان به وجود روایت آن راوی در صحیحین اشاره کرده‌اند. و همچنین برخی از کتب مهم دیگر همچون ابن ماجه و نسایی نیز اشاره کرده‌اند.

۲. البته بخاری تنها یک حدیث مهم از ابوطفیل آورده است، اما جزو احادیث اصلی باب نیست: مَنْ خَصَّ بِالْعِلْمِ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ كَرَاهِيَةً أَنْ لَا يَفْقَهُوْا. وَقَالَ عَلِيٌّ حَدَّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ أَتَجِبُونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُوذ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ عَلِيٍّ بِذَلِكَ.

۳. برای نمونه، ولید بن جمیع در مصنف عبدالرزاق ج ۷، ص ۴۰۷ و مصنف ابن ابی شیبہ در موارد متعدد از ابوطفیل روایت نقل کرده است.

۴. حامد خانی، مشیخه ابان بن تغلب در طبقه تابعین و صحابه

نکرده است. این پدیده از قرن‌ها قبل مورد توجه بزرگان حدیث و رجال قرار گرفته است. ذهبی در میزان الاعتدال (ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۱۴) و برخی دیگر از بزرگان حدیث عامه، به نقل نکردن وی از حضرت صادق علیه السلام اشاره داشته‌اند، اما به چرایی آن اشاره‌ای نکرده‌اند. بعدها ابن تیمیه، علت عدم نقل بخاری را اظهار نظریحیی بن سعید (مزی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۷۶)^۱ درباره امام دانسته و در این باره ضمن مقایسه امام با محمد بن مسلم زهری (م ۱۲۴) حدیث امام را ضعیف‌تر از زهری می‌انگارد. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۵۳۳).

محمد علوی حضرمی از علمای غیر امامی، عدم نقل بخاری از امام صادق علیه السلام را در ناصبی بودن بخاری و دشمنی وی با اهل بیت علیهم السلام دیده است (العتب الجلیل علی اهل الجرح والتعديل، باب الثانی، فی من جرحوهم من اهل البيت علیهم السلام). از بین علمای شیعه نیز، میرحامد حسین هندی (عبارات الانوار)، اسد حیدر (الامام الصادق و المذاهب الاربعه)، میرزا فتح الله نمازی (القول الصراح فی البخاری و صحیحہ)، حسن صدر (نهاية الدراية فی شرح الوجيزة للبهایی) و محمد صادق نجمی (اضواء علی الصحیحین) عداوت بخاری با اهل بیت علیهم السلام را عامل عدم نقل او از امام صادق علیه السلام عنوان کرده‌اند. همچنین محقق زیدی، مرتضی بن زید المحطوری در مقاله «التشیع و اثره علی الجرح والتعديل» عدم نقل را به جهات سیاسی حاکم بر شیعیان از طرف بنی امیه و بنی عباس دانسته است. محمود ابوریه محقق معاصر عامه نیز همان دلایل حدیثی را علت عدم نقل بیان کرده است. در سال‌های اخیر احمد صنوبر در مقاله‌ای مستقل به موضوع عدم نقل بخاری از امام صادق علیه السلام پرداخته و با نگاهی نسبتاً گذرا دلایل پیش گفته را منتفی دانسته و فقیه بودن امام و عدم پرداختن جدی ایشان به حدیث را عامل عدم نقل بخاری دانسته است.^۲

سال نزول حدیث، ۱۴۰۶، بهار (۱۳۸۶)

۱. وَقَالَ صَالِحُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمَدِينِيِّ: سَمِعْتُ يَحْيَى بْنَ سَعِيدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ: فِي نَفْسِي مِنْهُ شَيْءٌ، قُلْتُ: فَمَجَالِدٌ؟ قَالَ: مَجَالِدٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُ.
۲. نقل موارد از احمد صنوبر، اسباب عدول الامام البخاری عن التخریج للامام جعفر الصادق فی صحیحہ، مؤتمر الانتصار للصحیحین جامعه الاردنیه ۲۰۱۰.

۲. طرح مسئله

امام صادق علیه السلام در قرن دوم به عنوان محدثی برجسته در جامعه اسلامی شناخته شده بودند. بزرگان حدیث و فقه دوران همچون سفیان ثوری (۱۵۹ هـ ق یا ۱۶۰ هـ ق)، یحیی بن سعید بن فروخ (۱۹۸ هـ ق)، مالک بن انس (۱۷۹ هـ ق)، ابن جریج (۱۵۰ هـ ق)، سفیان بن عیینه (۱۹۸ هـ ق)، حفص بن غیاث (۱۹۴ یا ۱۹۵ هـ ق) و بسیاری دیگر از امام صادق علیه السلام اخذ روایت داشته‌اند. (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۳۶۲). اینکه امام از سلاله نبی اکرم ﷺ بوده‌اند، در آن عصر هم برای محدثی برجسته همچون مالک بن انس و هم بعدها برای ذهبی جالب توجه بوده است.

ذهبی امام را به واسطه نسب شریفشان تا پیامبر ﷺ ستوده و ایشان را از بزرگان علمای مدینه دانسته است. (همان) ابوحاتم رازی (۳۲۲) شأن حدیث حضرت را والاتراز تفحص می‌دانسته است. (همان) ابن معین نیز در وثاقت ایشان تردید نداشته است. (مغلطای، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۲۲۷) مطابق گزارشی از خطیب، مردم مدینه بهترین اهل آن دیار را امام صادق علیه السلام می‌دانستند و برای دریافت حدیث به ایشان ارجاع می‌دادند. (خطیب بغدادی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۱۶۲) شافعی که در ضابطه مندی حدیث عامه نقشی مهم را ایفا نموده در ضمن مناظره‌ای وثاقت حضرت را اعلام می‌دارد. (مزی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۷۷).

همچنین مطابق شواهد، احادیث حضرت صادق علیه السلام علاوه بر حجاز در مراکز مهم حدیثی عراق از جمله کوفه و بصره شناخته شده بوده است. (کرمی، ۱۳۹۹) روایات امام صادق علیه السلام در کوفه نیز جایگاهی ویژه داشته است. عمرو بن ابی المقدام آن حضرت را دارای مقامی فوق العاده در حدیث کوفه می‌دانسته است. (مزی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۲۷۹) حتی منصور دوانیقی حاکم دوران، امام را سرور عالم و بازمانده نیکان اهل بیت و مصداق آیه: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» دانسته است. (پاکتچی، ۱۳۹۱، مدخل جعفر بن محمد، دبا)

با وجود اوصاف فوق به نظر می‌رسد محدثین قرن دوم و سوم عامه، آن طور که باید

روایات حضرت را در منابع خویش منعکس نکرده‌اند که نمونه بارز آن بخاری است. وی با این که حدود نیم قرن با امام صادق علیه السلام فاصله زمانی داشته، اما هیچ روایتی از ایشان در صحیح خود نقل نکرده است.

برای بررسی این پدیده یعنی؛ «عدم نقل بخاری از امام صادق علیه السلام» ابتدا باید ببینیم آیا بخاری به روایات امام صادق علیه السلام دسترسی داشته یا خیر؟! منظور ما از دسترسی، وجود طریق از بخاری به روایات حضرت صادق علیه السلام می‌باشد که فارغ از ضعف یا قوت آن طرق است. البته باید توجه داشت که طرق هر محدث به راویان را باید به سه بخش تقسیم نمود. طریق اول، (اعم از ضعیف یا قوی) تا راوی، طریق دوم وضعیت رجالی خود آن راوی و سوم، طریق آن راوی در آن حدیث خاص تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

این مقاله ابتدا به دنبال یافتن طرق بخاری به روایات امام صادق علیه السلام است و سپس بررسی این موضوع که آیا طرق وی به روایات حضرت برای بخاری اعتماد آورده است؟ چرا که عدم دسترسی وی و همچنین نبود طرقی اعتماد آور باعث می‌شود هرگونه ادعای دیگری در این باره مردود باشد. در مورد سه مرحله دسترسی نیز به مرحله اول و سوم خواهیم پرداخت و وضعیت رجالی خود راوی یعنی امام صادق علیه السلام را به مقاله دیگری موکول خواهیم کرد.

یکی از احتمالات در مورد عدم نقل بخاری از امام صادق علیه السلام، وجود راویان شیعی یا رافضی در اطراف حضرت است که بیشترین روایات را از ایشان نقل می‌کردند و روایاتشان در منابع شیعی جای می‌گرفت. همچنین بدبینی ناشی از نقل یا نسبت دادن احادیث توسط برخی از راویان بدنام به حضرت صادق علیه السلام نیز احتمال دیگر است. پدیده ای که در مورد محدثین و راویان مهم اتفاق می‌افتاده و برخی افراد روایاتی را به آنان نسبت می‌داده‌اند و در برخی موارد با اصطلاح «المقلوبات علی الثقات» از

۱. دسترسی و اعتماد محدث به روایات شیخ، یک موضوع است و لزوم استفاده از آن روایات موضوع دیگری است. مسئله این مقاله، اصل امکان دسترسی اعتماد آور بخاری به روایات امام صادق علیه السلام جهت نقل در صحیح است. چرا که اگر روایاتی از امام صادق علیه السلام با ملاک‌های شخصی بخاری جهت گزینش در دسترسش نبوده، جای سوال و نقدی نسبت به عدم نقل وی از امام صادق علیه السلام باقی نمی‌ماند.



آن یاد شده است. در مورد حدیث امام صادق علیه السلام گزارش‌هایی در دست است که به دروغ روایاتی به ایشان نسبت داده می‌شده است. مثلاً ابن حبان در کتاب الثقات خود پس از یادکرد امام صادق علیه السلام نسبت به نقل غیر موثق برخی فرزندان حضرت از امام صادق علیه السلام هشدار می‌دهد و توصیه به پرهیز از آن روایات دارد. (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۱۳۱). یکی از مهمترین گزارش‌ها توسط یحیی بن عبد الحمید حمانی صورت گرفته است. در این گزارش وی از شریک سوال می‌پرسد که چگونه گروه‌هایی تصور می‌کنند جعفر بن محمد در حدیث ضعیف است. وی در پاسخ ضمن قبول این دیدگاه، علت را اینگونه بیان می‌دارد که راویانی روایات ضعیف و جعلی را به حضرت نسبت می‌دهند. (کشی، ۱۴۰۹، ص ۳۲۱) این نقل نشان می‌دهد درباره روایت برخی افراد همچون ابوالبختری از امام صادق علیه السلام گزارش‌های منفی و بدبینی‌هایی وجود داشته است و مثلاً یحیی بن معین، ابوالبختری را خبیثی کذاب می‌دانسته^۱ که از هشام بن عروه و ثور بن یزید و امام صادق علیه السلام نقل حدیث می‌کرده است. (ابن معین، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۷۵) این اتهام تا جایی بوده که چندی پس از حیات امام صادق علیه السلام، درباره دروغ بستن ابوالبختری به امام صادق علیه السلام اشعاری سروده شد. (الضبی البغدادی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۴۸)^۲ لذا چنانکه از برخی منابع برمی‌آید در طول تاریخ نسبت به گروهی از راویان دست اول حدیث امام صادق علیه السلام بدبینی وجود داشته است. در این راستا قرن‌ها بعد ابن تیمیه علت عدم نقل بخاری از امام صادق علیه السلام را تردیدی می‌دانسته که بخاری نسبت به روایات حضرت داشته است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، فصل ۷، ص ۵۳۳) و در نتیجه این فرض که بخاری به روایاتی اطمینان آور از امام صادق علیه السلام دسترسی نداشته را ایجاد کرده و لزوم بررسی این مسئله را نمایان می‌سازد. با توجه به این توضیحات می‌توان سوالات اصلی این پژوهش را اینگونه مطرح نمود:

۱. کشی در این نقل از وجود راویانی در اطراف امام صادق علیه السلام گزارش می‌دهد که به جعل روایات امام صادق علیه السلام می‌پرداختند و آن را نشر می‌دادند تا از این مسیر به نام و شهرت و مال دست یابند. گرچه در مصادیق آن محل تأمل است.
۲. اشعاری که با این بیت آغاز می‌شود: ویل وعول لأبي البختري... إذا توافى الناس في المحشر

- ۱- آیا بخاری به روایاتی از امام صادق علیه السلام دسترسی داشته است؟
- ۲- در صورتی که بخاری به روایاتی از امام صادق علیه السلام دسترسی داشته، آیا طرق دسترسی او برایش اعتماد آورده است تا آنها را در الجامع الصحیح خویش نقل کند؟

روش‌های احراز دسترسی یک مؤلف به روایات مشایخ حدیث

برای بررسی طرق دسترسی یک محدث به روایات راویان متقدم، به صورت عمومی چند راهکار وجود دارد که به شرح ذیل می‌باشند:

۱- جست و جوی نام راوی در میراث مکتوب محدث: این راهکار بهترین و مطمئن‌ترین راه تشخیص دسترسی است. در صورت اطمینان از صحت انتساب کتاب مؤلف به وی و وجود روایات راوی مورد نظر در آن کتب، شکی در دسترسی صاحب کتاب به روایات آن راوی که در کتاب مؤلف منعکس شده، باقی نمی‌ماند.

۲- بررسی منابع و مشایخ محدث: هر جامع حدیثی را می‌توان متأثر از دو منبع دانست. اول، برخی از منابع پیشین و دیگری مشایخ اصلی مؤلف. چنانچه محدثی در یکی از تألیفات خود از منبعی استفاده کرده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال زیاد به تمام روایات کتاب مذکور نیز دسترسی داشته است. حال اگر آن کتاب شامل روایاتی از یک راوی مورد نظر باشد، می‌توان با احتمال بالا ادعا کرد که آن محدث به آن روایات دسترسی داشته است. ولو این روایات را گزارش نکرده باشد. همچنین چنانچه متأثر از مشایخی بوده است، احتمالاً به روایاتی که نزد آنان بوده نیز دسترسی داشته است.

۳- بررسی دسترسی مؤلف به روایات شاگردان اصلی راوی مورد نظر: شاگردان اصلی -مهم و پرکار- یک راوی مهمترین عامل انتقال روایات وی به نسل‌های بعدی و صاحبان کتب بوده‌اند. لذا یکی از راههای بررسی احتمال دسترسی محدث به روایات راوی مورد نظر از طریق شاگردان وی است. خصوصاً اگر راوی مورد بررسی دارای روایات متعدد و به اصطلاح «مکثر در حدیث» باشد، این مسیر آسان‌تر و کارآمدتر است. گرچه در این مسیر محدودیت‌هایی وجود دارد. این محدودیت در مورد شاگردان اصلی به تفاوت مذاهب باز می‌گردد که به نظر می‌رسد در مورد روایات امام صادق علیه السلام نیز وجود دارد. چرا که



غالب روایات حضرت امام صادق علیه السلام از طریق روایتی نقل شده که در حدیث عامه مقبولیتی ندارند. افرادی همچون زرارة بن اعین و برادرش حمران یا محمد بن مسلم طائفی که گرچه از آنان در برخی منابع عامه یادکردهای وجود دارد، اما معمولاً در مقام نقد ایشان بوده و راویان دیگری که منتقل کننده میراث حدیثی امام صادق علیه السلام به منابع شیعه بوده‌اند نیز معمولاً وضعیتی مشابه داشته‌اند (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۳، ص ۶۰۴؛ عقیلی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۱۷؛ ابن عدی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۴۱؛ ذهبی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۸). لذا انبوهی از روایات و راویان امام صادق علیه السلام از موضوع بررسی ما خارج می‌شوند. (رک: پایان نامه تحلیل وجود راویان منتسب به تشیع در صحیح بخاری، نمکی نوقاب، حسن، ۱۳۹۵، سرتاسر).

۴- بررسی میزان شهرت و پذیرش روایات آن راوی در عصر و مکتب محدث: در هر عصر و مکتبی برخی از محدثین و حتی برخی از روایات شهرت بیشتری دارند و توجه ویژه‌ای به آنها می‌شود. شاید بتوان این میزان توجه و نقل در مورد روایات را با تعریفی که در علوم حدیث با عنوان «حدیث مشهور» بیان شده با رعایت دقت‌هایی (رک: الجدید، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۵)^۱ نزدیک دانست. میزان استفاده برخی روایات تا جایی بوده که کتب تاریخ و رجال متقدم مملو از عباراتی است که اشاره به شهرت یک حدیث دارد. گرچه این واژه از قرن سوم در منابع، مورد استفاده قرار گرفته (به عنوان نمونه رک: بخاری، بی تا، ج ۹، ص ۵۴؛ ابن معین، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۹۹) و بعدها به شکل گسترده‌ای در گزارش‌ها و تحلیل‌های حدیثی استفاده شده است. (به عنوان نمونه رک: ابی موسی المدینی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۳۵ و ۴۳۹). یکی از گزارش‌های خطیب بغدادی به صورت مصداقی و ملموسی، موضوع شهرت برخی از احادیث امام صادق علیه السلام را در میان محدثین عامه نشان می‌دهد. چنان که ابویوب سلیمان بن داود شاذکونی گوید: برای اخذ حدیث بیش از بیست و

۱. عبدالله بن یوسف پژوهشگر معاصر در کتاب خود تحریر علوم الحدیث، اصطلاح حدیث مشهور میان عموم اصولیون و محدثین و فقها را با اصطلاح حدیث مشهور نزد اهل معرفت به حدیث متفاوت دانسته و بیان می‌دارد، اولی به علت کثرت استعمال میان گروههای مذکور و دومی با تعریف تعداد راویان هر طبقه و با درجه‌ای پایین تر از متواتر شناخته می‌شود.

چند بار از بصره به کوفه سفر کردم تا اینکه در مجلس حفص بن غیاث حاضر شدم و احادیث او را نوشتم، وقتی به بصره برگشتم در بنانه ابن ابی خدیجه را ملاقات کردم، وی گفت: ای سلیمان از کجا می‌آیی؟ گفتم: از کوفه. گفت: حدیث چه کسی را نوشته‌ای؟ گفتم: حدیث حفص بن غیاث را، گفت: تمام احادیث او را نوشته‌ای؟ گفتم: آری. گفت: حدیثی که درباره گوسفند قربانی حفص از جعفر بن محمد از پدرش از ابوسعید خدری روایت کرده است را هم نوشته‌ای؟ گفتم نه! گفت چشمت گریان باد! پس در کوفه چه می‌کردی؟ ابویوب سلیمان می‌گوید: کیف و همیان خود را نزد نرسیین (خرما فروشان) گذاشته و به کوفه برگشتم، و مجدداً به خانه حفص بن غیاث وارد شدم، حفص پرسید: از کجا می‌آیی؟ گفتم: از بصره، گفت: پس چرا برگشتی؟ گفتم: از ابن خدیجه چنین و چنان شنیدم. و حفص بن غیاث نیز آن حدیث را برای من روایت کرد و من برگشتم. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۸).^۱ این گزارش نشان می‌دهد که کوتاهی راوی در دریافت یکی از روایات مشهور امام صادق علیه السلام برای ابن ابی خدیجه قابل قبول نبوده و راوی را مورد انتقاد خود قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد این دست از روایات مشهور در شهرها و مکاتب مختلف حدیثی وجود داشته و با سکونت یک محدث در مراکز حدیثی یا سفر به آنجا به راحتی آن روایات را در محافل و مجالس حدیثی می‌شنیده است. این مواجهه همان دسترسی به طرق روایات یک شیخ حدیثی است که احتمالاً سال‌ها قبل از دنیا رفته است.

بنابراین روش‌های چهارگانه فوق برای رسیدن به هدف این پژوهش، لازم است ابتدا کتب محمد بن اسماعیل بخاری را بررسی کنیم و ببینیم آیا روایتی از امام صادق علیه السلام در آنها وجود دارد یا خیر؟ و چنانچه پاسخ مثبت بود در گام دوم بررسی کنیم آیا این روایات با شاخص‌های بخاری می‌توانسته‌اند در صحیح بخاری گزارش شوند؟ در مقابل اگر در دیگر کتب بخاری بجز صحیح، روایاتی از امام صادق علیه السلام نقل نشده باشد احتمال عدم دسترسی وی به این روایات جهت نقل در کتاب صحیح، تقویت خواهد شد.

۱. با تشکر از آقای محمد قندهاری برای ارائه این گزارش و فیش‌هایی دیگر.



راه دیگر برای بررسی مسئله دسترسی بخاری به روایات امام صادق علیه السلام، مراجعه به مشایخ بخاری است. زیرا این مشایخ عموماً در صحیح بخاری نقش پررنگی داشته‌اند و این نشانگر ارتباط جدی حدیثی بخاری با آنان بوده است. تا جایی که کمی پس از دوران حیات بخاری، اغلب آنان به عنوان «شیخ بخاری» شناخته می‌شدند. چنانچه اصطلاح مشایخ بخاری در کتب علوم یا شروح حدیثی که در قرون بعد از وی به بررسی احادیث و اساتیدش پرداخته‌اند به کار رفته است.

از جمله در مورد عثمان بن ابی شیبہ (ابن اثیر، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۶۹۹) و یا عبدالله بن زبیر معروف به حمیدی (بدرالدین العینی، عمدة القاری، ج ۲، ص ۱۱) که بخاری؛ صحیح خود را با روایتی از او آغاز نموده و روایات بسیاری از وی نقل کرده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱)؛ بخاری دارای مشایخی دیگر بوده که در کتب علم الحدیث به آنها اشاره (الصدیقی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۰۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۰۲) و طبقه‌بندی شده‌اند. (اسحاق الحونینی الاثری حجازی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۱). همچنین (رک مباحثات غیب غلامی درباره صحیح بخاری ۱۳۹۳).

برای استفاده از راه سوم؛ یعنی دسترسی بخاری به روایات شاگردان اصلی امام صادق علیه السلام باید دید آیا بخاری با شاگردان اصلی و شاخص حضرت مرآورده حدیثی داشته یا خیر و این رابطه حدیثی تا چه میزان بوده است؟ راهکار پایانی، بررسی روایاتی است که در عصر بخاری شهرت داشته‌اند. یعنی روایاتی که در کتب حدیثی قابل توجه آن دوران گزارش شده‌اند یا قرائن دیگری بر شهرت آن در بلاد و مکاتبی که بخاری با ایشان مرآورده حدیثی داشته وجود دارد.

با توجه به تمامی موارد پیش گفته ابتدا در کتب بخاری غیر از صحیح، به جستجوی روایاتی از امام صادق علیه السلام می‌پردازیم که می‌تواند نشانگر دسترسی قطعی بخاری به این روایات باشد. در قدم بعدی به روایات و طرق امام صادق علیه السلام در برخی از مصادری که برای بخاری اهمیت داشته و از آنها و یا مؤلفین آنها نقل گسترده‌ای داشته خواهیم پرداخت. سپس گزارش‌های بخاری درباره برخی از راویان حدیث امام صادق علیه السلام را بررسی می‌کنیم

تا به میزان آشنایی وی با برخی راویان حدیث امام پی ببریم و در پایان به گزارشی مختصر از روایات مشهور امام صادق علیه السلام در قرن دوم و سوم خواهیم پرداخت. روایاتی که بعید است از دید بخاری پنهان مانده باشند.

روایات امام صادق علیه السلام در کتب بخاری

بخاری در کتابهای خود - غیر از صحیح - روایاتی را از امام صادق علیه السلام گزارش کرده است که در ادامه با اشاره به این روایات به مقایسه اسناد و راویان آن با اسناد راویان مورد استفاده در صحیح بخاری می‌پردازیم.

ادب المفرد

بخاری در کتاب ادب المفرد دو روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. یکی از این روایات، گزارشی مشهور از روش غسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. (بخاری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۳) روایتی مسند که در بسیاری از منابع قرن دوم و سوم عامه گزارش شده است. (شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۶۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۳۰؛ حمیدی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۲؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۶۵) لازم به ذکر است که این روایت در صحیح بخاری با سندی دیگر بدون حضور امام صادق علیه السلام گزارش شده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۹) سند این روایت یعنی؛ موسی بن اسماعیل از وهیب بن جریب بخش اتصال به امام صادق علیه السلام، در زمره اسناد استفاده شده در صحیح بخاری است. (همان، ج ۱، ص ۲۸ و ۴۸ و ۱۳۶ و ج ۲ ص ۴۳). دومین روایت که به صورت مسند از امام صادق علیه السلام گزارش شده درباره حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در بازار و توصیه‌ای به مردم است. (بخاری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۴). در این روایت نیز بخاری از این سند یعنی عبدالعزیز بن عبدالله از دراوردی در صحیح استفاده ننموده است گرچه هر دو نفر در اسناد صحیح بخاری حضور دارند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۷، ج ۶، ص ۳۴۶) البته به گزارش مزنی، بخاری از دراوردی به صورت مقرون نقل کرده است. (مزنی، ۱۴۰۰، ج ۱۸، ص ۱۸۷)

خلق افعال العباد

روایتی که بخاری از امام صادق علیه السلام در کتاب دیگرش به نام خلق افعال العباد نقل

سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱



می‌کند، درباره موضوع اختلافی و دامنه دار خلق کلام الله است. دیدگاهی خاص از بخاری که باعث اختلاف او با استادش ذهلی شد و نهایتاً منجر به تحریم وی و ترک (یا اخراج وی از) نیشابور شد. (پاکتچی، ۱۳۹۱، دبا ج ۱۱، مدخل بخاری، ابو عبدالله) بخاری این روایت، را هم به صورت مرسل و هم به صورت مسند گزارش کرده است. (بخاری، ۱۴۰۷، خلق افعال العباد، ج ۱، ص ۳۰ و ۴۴) بخاری این روایت را بدون سند در صحیح آورده است.

تاریخ الصغیر

بخاری در این کتاب روایت حج امام صادق علیه السلام از پدرشان را نقل نموده که از دو جهت قابل توجه است. اولاً روایت مذکور از جابر بن عبدالله به تفصیل یا اجمال در بین محدثین آن عصر از شهرت و جایگاه بی بدیلی برخوردار بوده و کمتر محدثی است که در باب حج از آن بهره نجسته باشد. (حمیدی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۵۰؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۸۱ و ۳۹۸ و ۴۰۴ و ۴۳۰؛ دارمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۱۶۷؛ مسلم، ۱۳۳۴، ج ۲، ص ۸۹۲؛ ابی داود، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۸۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۷۱) ثانیاً سند بخاری تا امام صادق علیه السلام در این روایت یعنی عبدالله بن مسلمه از سلیمان، در صحیح بخاری تکرار شده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۱)^۱

دومین روایت بخاری از امام صادق علیه السلام در کتاب تاریخ الصغیر نیز گرچه نبوی نیست اما قابل توجه است. این روایت درباره سن امیرالمومنین علی علیه السلام در هنگام شهادت است. (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۰) سند این روایت یعنی؛ عبدالله بن محمد از سفیان بن عیینه از اسناد پرتکرار در صحیح بخاری است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۳ و ۱۱۵ و ۱۳۳ و ۱۶۲ و ج ۴ ص ۵۵ و ۶۰ و موارد دیگر).

۱. قابل ذکر است سند این روایت به این شکل ذکر شده است: حدثنا عبدالله بن مسلمه حدثنا سلیمان قال اخبرنی یزید بن خصیفه، عدم اشاره به نام پدر سلیمان باعث ایجاد تردید است که عبدالله بن مسلمه از کدام استاد خود نقل نموده؟ از سلیمان بن هلال که در تاریخ الصغیر در سند روایت امام صادق علیه السلام حاضر است یا سلیمان بن مغیره که دیگر شیخ او بوده است؟ اشاره به مشایخ این دو سلیمان نشان می‌دهد سلیمان روایت مذکور در صحیح بخاری، همان سلیمان بن هلال است. چرا که فقط او از یزید بن خصیفه نقل حدیث کرده است.

روایت سوم درباره فاصله بین میلاد امام حسن و امام حسین علیهما السلام است که توسط سلیمان بن سعید از حفص نقل شده است. (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۷) سندی که در صحیح بخاری موجود نیست، گرچه هر دو نفر از راویان صحیح بخاری هستند. چهارمین نقل گرچه روایت نبوی نیست و درباره عملکرد مروان نقل شده است، اما اهمیتش از این جهت است که سند آن تا امام صادق علیه السلام یعنی حدثنا خالد بن مخلد حدثنا سلیمان، از اسناد پرتکرار در صحیح بخاری است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱ و ۵۳ و ۵۴ و ۱۴۳ و ج ۲، ص ۱۶۴ و موارد دیگر) نقل پنجم نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست و سند مذکور نیز در بخاری وجود ندارد، اما دو واسطه تا امام صادق علیه السلام یعنی؛ ابراهیم بن حمزه و انس بن عیاض از راویان پرتکرار در صحیح بخاری هستند. (همان، جز ۱، ص ۱۹ و ۱۱۲ و موارد دیگر در مورد ابراهیم و ج ۱ ص ۴۱، ۱۰۴، ۱۱۴ و موارد دیگر در مورد انس)

تاریخ الاوسط

بخاری در راستای روش خود در این کتاب، به سال شهادت امیرالمومنین علی علیه السلام (بخاری، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۷۵) و امام باقر علیه السلام (همان، ج ۱، ص ۲۷۴) از قول امام صادق علیه السلام اشاره نموده است. روایت اول همان طور که پیشتر اشاره شد در تاریخ الصغیر هم گزارش شده است. سند هر دو روایت همان سند تاریخ الصغیر و سند پرتکرار صحیح بخاری یعنی عبدالله از سفیان است.

تاریخ الکبیر

با توجه به روش کار بخاری در این کتاب، وی به برخی راویان حدیث از امام صادق علیه السلام اشاره نموده که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. اما اولین روایت، تکرار روایت تاریخ الصغیر درباره فاصله میلاد حسنین علیهما السلام با همان سند است. (بخاری، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۶) نقل بعدی که غیر نبوی است، درباره سن امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت و با همان سند پرتکرار عبدالله از سفیان است. (همان، ج ۲، ص ۳۸۱) روایت سوم درباره دین و ادای آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به صورت مسند است و بخاری آن

سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۱



را از شیخ خود حمیدی نقل کرده است. (همان، ج ۳، ص ۴۷۶) گرچه سند حمیدی به امام صادق علیه السلام یعنی ابن ابی الفدیك از سعید در صحیح وجود ندارد. روایت دیگر، همان روایت گزارش شده در کتاب خلق افعال العباد و با همان سند است. (همان، ج ۷، ص ۴۰۰)

این گزارش ها نشان می دهد که بخاری قطعاً تعدادی از روایات امام صادق علیه السلام را در دست داشته است و در کتابهایش بجز صحیح، از آنها بهره جسته است.

وجود طرق به امام صادق علیه السلام در بین مصادر صحیح بخاری و مشایخ وی

مانند دیگر محدثین، بخاری برای نگارش صحیح خود مصادری داشته که به نقل گسترده از آنها پرداخته است. وجود این مصادر و روایاتشان نزد بخاری نیز طبیعی و مورد انتظار است. در مصادر بخاری طریقی به امام صادق علیه السلام موجود است که برخی از آنها مسند و برخی مرسل هستند که در ذیل می آوریم؛

مسند اسحاق بن راهویه

مسند اسحاق بن ابراهیم بن مخلد معروف به ابن راهویه (م ۲۳۸) بی تردید یکی از مصادر بخاری است. بخاری روایات متعددی از وی نقل کرده تا جایی که اگر در صحیح، اسحاق را به شکل مطلق به کار ببرد منظور همان اسحاق بن راهویه است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۵ و ۷۷ و ج ۲، ص ۷۴۳) اسحاق بن راهویه در مسندش چهار روایت از حاتم بن اسماعیل مدنی (کوفی) از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که دو تا از آن روایات مسند هستند. (اسحاق بن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۹۵ و ج ۵ ص ۳) و دو روایت دیگر مرسل هستند که از امام باقر علیه السلام به ام سلمه ارسال دارد. (همان، ج ۴، ص ۱۱۷ و ۱۷۴)^۱ باید توجه داشت که حاتم یکی از راویان تقریباً پرتکرار در صحیح بخاری است. (همان، ج ۱، ص ۸۱ و ج ۲، ص ۶۵۸ و ۸۷۹ و ج ۳، ص ۱۰۶۲ و ۱۰۸۶ و روایات دیگر)

۱. قابل توجه است بسیاری از روایات گزارش شده در صحیح بخاری ارسال دارند که محدثان عامه آن روایات را از شواهد یا متابعات دانسته اند.

همچنین اسحاق در مسند خود، از قبیصه از سفیان از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایتی مرسل دیگر نیز نقل نموده است. (اسحاق بن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۵۵) سند این روایت تا قبل از امام صادق علیه السلام از اسناد پرتکرار صحیح بخاری است. (ج ۱، ص ۱۶ و ۶۷ و ۸۲ و موارد دیگر)

و آخرین مورد، روایت یحیی بن آدم از حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام به صورت مسند است (اسحاق بن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۹۹) این روایت درباره غذا خوردن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قضایایی پس از آن است. هر چند سندی به این شکل در صحیح بخاری وجود ندارد اما یحیی بن آدم و حفص بن غیاث از روایت بخاری هستند.

مسند حمیدی

از جمله روایاتی که نزد بخاری وجود داشته و وی به آنها اشراف داشته، روایات عبدالله بن زبیر حمیدی (م ۲۱۹) است. به طوری که مسند وی یکی از مهمترین مصادر بخاری می باشد. حمیدی شش روایت مسند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که تمامی آنها از طریق سفیان از امام و اغلب در موضوع حج بوده است.^۱ این روایات از امام باقر علیه السلام از جابر نقل شده است. (حمیدی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۹ و ج ۴، ص ۲ و ۳ و ۴ و ۲۳ و ۲۴) بخاری یکی از روایات امام صادق علیه السلام از طریق حمیدی را در کتاب تاریخ کبیر خود نقل کرده است. (بخاری، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۵)

جالب توجه است همان طور که اشاره شد بخاری این روایت و سند مشهور را از امام صادق علیه السلام با طریقی شناخته شده در صحیح، یعنی موسی از وهیب در کتاب دیگر خود، ادب المفرد نقل کرده است (بخاری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۳۲). اما در صحیح، سند روایت خود در ادب المفرد و روایت شیخ خود حمیدی و برخی اقرانش را کنار گذاشته و از سند دیگری استفاده کرده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۱)

۱. این که روایات حج امام صادق علیه السلام از پدرشان از جابریک متن بوده یا به همین شکل مجزاً روایت شده بحث مجزایی می طلبد، اما به هر روی محدثین بارها به صورت مجزی نقل کرده اند.



در مجموع می‌توان اطمینان داشت، بخاری از طریق این دو شیخ و مصدر مهم خود به حدیث امام صادق علیه السلام دسترسی داشته است.

مصنف ابن ابی شیبہ

بخاری از مصنف عبدالله بن محمد بن ابی شیبہ مکنی به ابوبکر (م ۲۳۴ یا ۲۳۵) روایاتی گزارش کرده است.^۱ وی صد و نود و دو روایت از امام صادق در مصنفش گزارش نموده که در انواع موقوف (ابن صلاح، ۱۴۰۶، ص ۴۶)،^۲ مرفوع، مرسل و مسند هستند که طبعاً این تعداد از روایات مجموعه بزرگی را در اختیار بخاری قرار داده است. روایات مسند ابن ابی شیبہ، از طریق حاتم (ج ۱۹، ص ۵۸۳ و ج ۱۵، ص ۴۸۹ و ص ۳۲۱ و ج ۸، ص ۷۹۹ و ص ۷۷۲ و ص ۷۵۰ و ص ۶۸۷ و ص ۶۷۴ و...) و محمد بن میمون زعفرانی (ج ۱۳، ص ۲۲۹) و حفص بن غیاث (ج ۸، ص ۷۷۶ و ص ۳۶۶ و ص ۲۱۰ و ج ۱، ص ۴۵۹) و خالد بن مخلد از مالک بن انس (ج ۸، ص ۵۷۵) و خالد بن مخلد از سلیمان بن بلال (ج ۵، ص ۶۳) و یحیی بن آدم از حسن بن عیاش (ج ۴، ص ۶۲) بوده‌اند.

دسترسی بخاری به روایات امام صادق علیه السلام

بنابراین حاصل این گزارشات حاکی از آن است که بخاری به مصادری دسترسی داشته که همه آنها به صورت مسند و یا مرسل به امام صادق علیه السلام طریقی داشته است. لذا دومین قدم یعنی دسترسی بخاری به مصادر مهمی که در آنها طریقی به امام صادق علیه السلام بوده است مورد تأیید می‌باشد اما با این وجود بخاری از آوردن روایتی با امام صادق علیه السلام در صحیح خودداری کرده است.

۱. گرچه با وجود نام بردن بخاری از ابن ابی شیبہ در ابتدای سند و طریق یکسان و اشتراک اکثر الفاظ متن روایات، تفاوت‌های قابل توجهی هم در آنها وجود دارد. به عنوان نمونه در تفاوت سندی: بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۵؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۷، ح ۴۸۴۵ و در متن: بخاری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۱؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۷، ح ۳۵۸۹۳.
۲. حدیثی که انتهای سلسله سند آن به صحابی پیامبر برسد. (ابن صلاح، ۱۴۰۶، ص ۴۶).

راویان حدیث امام صادق علیه السلام که برای بخاری شناخته شده بودند

از گزارش‌های تاریخی و تألیفات بخاری برمی‌آید که وی از سطح بالایی از آگاهی نسبت به رجال حدیث و خصوصیات آنان برخوردار بوده است. او دست کم برخی از راویان احادیث امام صادق علیه السلام را به خوبی می‌شناخته و اغلب به روایات آنان دسترسی و حتی اشراف داشته است که در ادامه به اثبات این مدعا از راه‌های مختلف می‌پردازیم؛

۱. معرفی برخی از سرآمدان حدیث از شاگردان امام صادق علیه السلام توسط بخاری

بخاری ذیل ترجمه امام صادق علیه السلام در تاریخ کبیرش، به سه راوی از امام صادق علیه السلام اشاره نموده است. (بخاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۸) و بدین ترتیب از آگاهی خود به این طرق حدیث خبر داده است. این افراد مالک بن انس و سفیان ثوری و شعبه هستند که از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حدیثیان عامه در آن دوران بوده‌اند و جزء مهم‌ترین راویان احادیث صحیح بخاری هستند. جای این ابهام باقی است که چرا بخاری از راویانی همچون حاتم بن اسماعیل یا یحیی بن سعید یا حفص بن غیاث که نقل‌های زیادی از امام صادق علیه السلام داشته‌اند یاد نکرده است. اما بیشترین ابهام ذکر نام شعبه است که روایتش از امام صادق علیه السلام در منابع حدیثی انگشت شمار است.

به هر حال، بخاری به واسطه‌های مختلفی به این سه راوی برجسته دسترسی داشته و طرق آنها را به خوبی می‌شناخته است. این را می‌توان در اسناد صحیح بخاری و دیگر کتب وی پیگیری نمود. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد وی اولین روایتش در صحیح را از حمیدی از سفیان نقل می‌کند. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳)

در این بین سفیان ثوری به عنوان یکی از مشایخ بخاری، از امام صادق علیه السلام روایات متعددی نقل کرده است. محدثین قرن دوم و سوم روایات متعددی را از طریق سفیان از امام صادق علیه السلام گزارش کرده‌اند. واسطه‌های این محدثین به سفیان اغلب با واسطه‌های بخاری به سفیان یکی هستند. یکی از این افراد وکیع است که بخاری روایات متعددی از وی از سفیان نقل نموده است. (ج ۱ ص ۳۳ و ج ۲ ص ۶۳ و ۷۴)

به عنوان نمونه ابن ابی شیبّه از طریق وکیع از سفیان از حضرت صادق علیه السلام یازده



بار روایت کرده است. (ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۷، ج ۸، ص ۱۲۶ و ۳۵۲، ج ۹، ص ۴۴۰ و...) کتبی که تقریباً با صحیح بخاری هم عصر هستند نیز از وکیع از سفیان از امام صادق علیه السلام از پدرشان از جابر از پیامبر ﷺ خطبه‌ای را نقل کرده‌اند. (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰، ج ۲۰۸؛ احمد بن حنبل، ۱۴۳۱، ج ۱۴۵۶) همچنین توسط ابن ماجه روایت دیگری از همین طریق نقل شده است. (ابن ماجه، بی تا، ج ۲۴۱۶) مسلم نیز به واسطه ابوبکر بن ابی شیبہ از وکیع از سفیان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. (النیسابوری القشیری، ۱۳۳۴، ج ۳، ص ۱۱)

محمد بن کثیر راوی پرتکرار دیگری در صحیح بخاری است که روایت زیادی از سفیان در این کتاب از وی نقل شده است. (ج ۱ ص ۳۰ و ۱۶۳ و ج ۲ ص ۴ و ۳۰ و ۴۹ و ۶۵ و ۸۹ و ۱۴۹ و ۱۶۵ و ۱۷۰ و ۱۷۲ و ۱۷۷ و...)؛ ابی داود نیز از همین طریق از امام صادق علیه السلام از پدرشان از جابر از پیامبر ﷺ روایت کرده است. (سجستانی، ۱۴۳۰، ج ۲۹۵۴)؛ راوی بعدی عبدالله بن ولید است که در بخاری روایاتش از سفیان ثوری نقل شده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۷۷ و ج ۳ ص ۸۶ و ۸۷ و ج ۴ ص ۳۲)؛ احمد با همین طریق روایتی مسند به واسطه امام صادق علیه السلام نقل کرده است. (ح ۱۴۲۱۹)

عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۰) که به نظر می‌رسد روایات را مستقیم به بخاری القاء نکرده نیز پانزده روایت از سفیان در صحیح بخاری دارد. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۵۲۱۴ و با واسطه ح ۷۱۸۳) وی در مصنف خویش هفتاد روایت از حضرت صادق علیه السلام گزارش کرده که پانزده مورد آنها از طریق سفیان^۱ است. از اینها سیزده مورد بدون واسطه (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۰۷ و ۵۳۲، ج ۳، ص ۱۸۰ و...) و دو مورد به واسطه ابن جریج است. از جمله روایتی از سفیان از حضرت صادق علیه السلام از پدرشان از ابی رافع از امیرالمومنین علی علیه السلام از پیامبر ﷺ. (همان، ح ۵۲۳۲) همچنین یکی از راویان پرتکرار حدیث سفیان

۱. مبنای هرگونه شمارش روایات در این مقاله، نرم افزار جامع خادم الحرمين الشريفین است که منبع مناسبی برای دسترسی به روایات راویان در، سی منبع مهم و مشهور حدیثی عامه در قرون دوم تا چهارم است. (سه منبع نیز مربوط به قرن‌های بعدی می‌باشد که تعداد ارائه شده در این مقاله با کسر روایات این سه منبع است.)

در صحیح بخاری، قبیصه بن عقبه است. (ج ۱ ص ۱۶ و ۶۷ و ۸۲ و ۱۰۶ و ۱۶۲) این طریق به امام صادق علیه السلام با روایت مسند وجود داشته است. (الزهد، هناد بن السری، م ۲۴۳، ح ۳۲۴)

۲. شاگردان امام صادق علیه السلام در صحیح بخاری

در بین راویان حدیث امام صادق علیه السلام که مورد اقبال کتب حدیثی عامه قرار گرفته‌اند افرادی هستند که تعداد قابل توجهی روایت در صحیح بخاری از آنها نقل شده است. می‌توان احتمال داد که بخاری به حدیث و احوال حدیثی آنها آشنایی بیشتری داشته و به روایات بیشتری از ایشان دسترسی داشته است. اسامی این راویان به این شرح است:

۱- سفیان بن سعید بن مسروق (م ۱۵۹ یا ۱۶۰ یا ۱۶۱ هـ) که در قسمت قبل توضیح داده شد.

۲- سلیمان بن بلال قرشی (م ۱۷۲ یا ۱۷۷ هـ) که زاوی پرکاری بوده و بر مبنای شمارش این پژوهش، منابع قرن دوم تا چهارم عامه، که از طریق وی سی و یک روایت از امام صادق علیه السلام گزارش کرده‌اند. طریق عبدالله بن مسلمه قعنب (م ۲۲۰) از سلیمان از حضرت صادق علیه السلام مشهور و مورد استفاده محدثینی از جمله مسلم نیشابوری در صحیح (النیشابوری القشیری، ۱۳۳۴، ج ۳، ص ۱۱ و ۱۵ و ۳۶ و ج ۵، ص ۱۹۷)، ابن حبان در صحیح (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۳۴) و ابی داود در سنن (ابن داود سجستانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۷۴ و ۴۳۷ و ج ۲، ص ۱۳۱) بوده است. از سلیمان بن بلال در صحیح بخاری صد و هفت روایت نقل شده است. (به عنوان نمونه: بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۲ و ۴۶ و ۲۵۰ و ۳۰۳ و...)

۳- حاتم بن اسماعیل (م ۱۸۶ هـ) که بر مبنای منابع نرم افزار منتخب ما، صد و هفتاد و نه روایت از امام صادق علیه السلام در منابع قرون دوم تا چهارم از طریق وی گزارش شده است. هم عصران بخاری به طریق حاتم از حضرت صادق علیه السلام توجه داشته‌اند به شکلی که مسلم (النیشابوری القشیری، ۱۳۳۴، ج ۲، ص ۴۹ و ج ۳، ص ۱۵ و ج ۴، ص ۳۸ و ج ۵، ص ۱۹۷) و ابن ماجه (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص



۳۱۰ وج ۲، ص ۲۰۷ وج ۴، ص ۱۸۸ و ص ۲۵۷) و ترمذی (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۲۴ وج ۳، ص ۲۱۵ و ص ۳۵۳) و دارمی (دارمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۱۵۷ و ص ۱۱۷۳) و ابی داوود (ابن داوود سجستانی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۲۲ وج ۴، ص ۵۵) و عبد بن حمید (عبد بن حمید، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۴۰) در ابواب مختلف صلاة، طهارة، جهاد، حج و سيرة الرسول از این طریق بهره جستند. ابن ابی شیبہ نیز روایات متعددی از جمله روایت مشهور حج را از این طریق گزارش نموده که در بخش مشایخ بخاری به آن پرداخته شد. بسیاری از محدثین متقدم دیگر از جمله عبد بن حمید، نسایی، ابن خزیمه و فاکهی (م ۲۷۵ هـ) نیز روایت حج حضرت صادق علیه السلام را از طریق وی گزارش نموده‌اند. (فاکهی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۵۶۷، نسایی، ۱۴۲۱، ج ۱۵۱۳؛ ابن خزیمه، ۱۳۹۰، ج ۲۶۷۲؛ عبد بن حمید، ۱۴۰۸، ج ۱۱۴۲)؛ بخاری از طریق آن، یعنی عبدالرحمن بن یونس از حاتم بن اسماعیل در صحیحش بارها استفاده کرده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۱ وج ۲، ص ۶۵۸).

روایت دیگر وی از حضرت صادق علیه السلام درباره احکام یتیم است که مورد توجه منابعی با موضوعات فقهی نیز قرار گرفته است (ابن زنجویه، ۱۴۰۶، ج ۹۷۸؛ محمد بن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲۱۱۰؛ مروزی، ۱۴۲۲، ج ۱۳۵) ترمذی (م ۲۴۱ هـ) این روایت را به سند قتیبه از حاتم بن اسماعیل نقل کرده است. (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۱۴۷۵) سندی که مورد استفاده بخاری در صحیح بوده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۰۸۶ وج ۴ ص ۱۵۳۷ وج ۵ ص ۲۲۷۷) روایت مسند دیگر از سلسله روایت‌های حج امام صادق علیه السلام، که بواسطه عبدالرحمن بن یونس از حاتم از امام صادق علیه السلام گزارش شده، خطبه‌ای از رسول خدا در روز عرفه است (فاکهی، ۱۴۱۴، ج ۱۸۲۲، ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰، الدیات، ج ۹)، اینها تعدادی از روایات نسبتاً زیاد حاتم بن اسماعیل از امام صادق علیه السلام بود که اغلب مسند بوده است و مورد توجه منابع مختلف قرن سوم عامه قرار گرفته است و بعضی از اسناد آن عیناً در صحیح بخاری استفاده شده است.

۴- عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج مکی (م ۱۵۰ هـ) که البته بیشتر به فقهش شناخته شده، اما محدثی پرکار هم بوده است. (به عنوان نمونه: ابولید الازرقی،

اخبار مکه، ح ۶۹۵؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۳، ح ۲۲۳۳۱) در منابع مورد نظر نرم افزار ما پنجاه و پنج روایت از طریق وی از حضرت صادق علیه السلام گزارش شده است.

۵- حفص بن غیاث نخعی (م ۱۹۴ هـ ق) که اکثر منابع حدیثی در دسترس، این طریق به امام صادق علیه السلام را به رسمیت شناخته و از این طریق یکصد و دو روایت گزارش نموده است. از جمله مسلم (النیسابوری القشیری، ۱۳۳۴، ج ۴، ص ۴۳) و ابن داوود (ابن داوود سجستانی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۳۱ و ۱۳۸ و ج ۳، ص ۵۲) و ترمذی (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۶۲) و ابن خزیمه (ابن خزیمه، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۳۲ و ۴۶۰ و ۴۷۴) و نسایی (نسایی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۶۰۶ و ۸۶۱ و ج ۴، ص ۱۸۷ و ۳۴۶) و ابن حبان (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۱۳، ص ۲۲۳)

۶- یحیی بن سعید قطان البصری (م ۱۹۸ هـ ق) براساس نرم افزار در دسترس ما در منابع قرن دوم تا چهارم، پنجاه و هفت روایت از این طریق نقل شده است. ابن ابی شیبه (ابن ابی شیبه، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۱۲۴ و ج ۸، ص ۶۰۱ و ج ۱۲، ص ۳۲۶ و ج ۲۰، ص ۵۶۸)، احمد بن حنبل (احمد بن حنبل، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۹۹۸، ج ۶، ص ۳۰۵ و ۳۰۵۲ و ج ۱۲، ص ۶۳۹۱) ابن جارود (المنتقی، ج ۱، ص ۱۷۸)، ابن خزیمه (ابن خزیمه، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶۵ و ۳۴۵، ج ۳، ص ۳۰۵ و ج ۴، ص ۲۹۶ و ۳۶۸ و ۳۹۶ و ۳۹۹ و ۴۳۴ و ۴۶۰ و ۴۸۲ و ۵۰۴)، نسایی (نسایی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۶۰ و ۸۰ و ۱۰۶ و ۲۷۹ و ۵۴۱ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۹۰ و ۵۹۶ و ۶۰۱؛ نسایی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۱۸۲، ج ۲، ص ۸۴ و ۲۸۷، ج ۴، ص ۳۸ و ۴۹ و ۵۱ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۵ و ۱۵۸ و ۱۷۳ و ۲۰۲ و ۲۰۶)، ابی داود (ابی داود، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۹۸ و ج ۴، ص ۵۵ و ۱۳۱) و ابی یعلی (ابی یعلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶ و ۹۳ و ۲۰۸ و ج ۱۲، ص ۱۱۹) در ابواب مختلف فقهی از جمله حج و مناسک، جمعه، طهارة، وضوء، مساجد و سهو نقل روایت کرده‌اند. بسیاری از طرق این محدثین خصوصاً ابن خزیمه طرق مسند تا امام صادق علیه السلام و از ایشان تا جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. یکی از طرق ابن خزیمه، محمد بن بشار از یحیی بن سعید است که از طرق بسیار پرتکرار در منابع حدیثی متقدم عامه بوده و بخاری در صحیح چهارده روایت

از این طریق گزارش نموده است. ابن خزیمه روایت "ثلاث غرف" را با همین طریق نقل کرده است. (ابن خزیمه، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۴۵) این همان روایتی است که بخاری متن آن را با سند دیگری در صحیح گزارش نموده است و در این پژوهش به آن پرداختیم.

۷- عبد العزیز بن محمد درآوردی المدنی (م ۱۸۲ هـ) از وی بیست و سه روایت در منابع نرم افزار ما از حضرت صادق علیه السلام گزارش شده است. (شافعی، بی تا، ح ۹۴۸؛ شافعی، ۱۴۱۰، ح ۲۲۱؛ ترمذی، ۱۴۱۹، ح ۷۱۰؛ بخاری، ۱۴۰۹، ح ۹۶۲)؛ یکی از روایات پرتکرارش در منابع قرن سوم عامه درباره سفر پیامبر ﷺ به مکه در ماه رمضان عام الفتح است. (النیسابوری القشیری، ۱۳۳۴، ح ۱۸۸۵؛ شافعی، بی تا، ح ۴۵۲)؛ این درحالی است که روایت مذکور توسط مسلم با سند محمد مثنی از عبد الوهاب از امام صادق علیه السلام نقل شده است، طریقی که مورد استفاده بخاری در صحیح نیز بوده است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴ و ۲۲۵ و ۴۳۷) نکته قابل توجه این که تمامی راویان فوق به روایات حج امام صادق علیه السلام پرداخته اند و موضوع متداولی بین ایشان بوده است.

۳- اظهار نظر رجالی بخاری در مورد برخی راویان از امام صادق علیه السلام

بر اساس منابع تاریخی بخاری بر رجال حدیث و احوال برخی راویان از امام صادق علیه السلام تسلط داشته است. گزارش شده درباره اکثر راویانی که وی در تاریخش از آنان یاد کرده یک داستان داشته که برای پرهیز از تطویل به آن پرداخته است. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۲۲) و حتی وی درباره برخی از راویانی که از امام صادق علیه السلام حدیث نقل کرده اند اظهار نظر نموده است.

اظهار نظرهای و گزارش های بخاری درباره راویان و طرق به امام صادق علیه السلام در کتب تاریخ (رجال) خود نشانگر آشنایی و دقت نظرش نسبت به این موضوع است. زمانی که بخاری برای نقل یک راوی از راوی دیگر، مدخل تشکیل می دهد، نشانگر این است که خودش به روایت وی از آن راوی دسترسی داشته است. وی در مورد برخی از راویان تنها به یک

شیخ حدیثی آنها یعنی؛ امام صادق علیه السلام اشاره کرده است. این افراد محمد بن علی، أخو حسین الجعفی، محمد بن العلاء الصهبی، عبد الله بن میمون، عیسی بن سلیمان بن دینار، أبوطیبة الدارمی الجرجانی و عنبة العابد هستند. (همان، ج ۱، ص ۲۳۳)

در موارد دیگری بخاری به دریافت حدیث برخی راویان از امام صادق علیه السلام و چند شیخ دیگر اشاره کرده است. این افراد محمد بن میمون، اسماعیل ابوسعید المدینی، عثمان بن فرقد العطار و ضحاک بن مخلد ابوعاصم النبیل البصری هستند. (بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۳) آگاهی بخاری از شرح حال راویان، نشان می‌دهد وی نسبت به این راویان نیز دقت نظر داشته و از ضعف و قوت هایشان آگاهی داشته است. تا جایی که درباره محمد بن میمون زعفرانی پس از بیان روایتگری او از امام صادق علیه السلام به منکر الحدیث بودنش تصریح می‌نماید. (همان، ج ۱، ص ۲۳۴) و یا درباره عبدالله بن میمون که تنها به نقل نمودن از امام صادق علیه السلام و ذاهب الحدیث بودنش اشاره می‌نماید. (همان، ج ۵، ص ۲۰۶) همچنین در مورد سعید بن مسلمة بن هشام که از خاندان اموی بوده می‌گوید از امام صادق علیه السلام مطالب منکر نقل می‌کرده است. (همان، ج ۳، ص ۵۱۶) وی درباره دوراوی یعنی محمد بن العلاء الصهبی و عنبة العابد به نقل مرسل روایاتشان از امام صادق علیه السلام اشاره کرده است. (همان، ج ۱، ص ۲۰۵، ج ۷، ص ۳۹)

در میان این افراد، عثمان بن فرقد (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۸۷، ج ۱۴ ص ۳۶) و ابوعاصم (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۷۰) از راویان حدیث در صحیح بخاری هستند. بخاری همچنین درباره دو نفر از فرزندان امام صادق علیه السلام که راوی حدیث حضرت نیز بوده‌اند تصریح به وثاقت نموده است. وی اسحاق بن جعفر را موثق‌تر از برادرش دانسته است، اما به روایتش از پدر اشاره نکرده است. (بخاری، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۳)

این اظهار نظرها نشانگر اشراف بخاری به رابطه حدیثی راویان احادیث امام صادق علیه السلام، با آن حضرت است.

روایات مشهور امام صادق علیه السلام نزد محدثین هم عصر بخاری

در فضای حدیثی عامه روایاتی وجود داشته که به صورت پرتکرار و توسط بسیاری



از محدثین و منابع حدیثی هم عصر از آنان نقل می‌شده است به شکلی که بعید به نظر می‌رسد نوع این روایات از چشمان صاحبان دیگر منابع و جوامع حدیثی از جمله بخاری به دور مانده باشد. امام صادق علیه السلام هم دارای روایاتی بوده‌اند که در قرن دوم در بین عامه جایگاه مهمی داشته و معمولاً صاحبان منابع به راحتی از کنار آنها گذر نکرده‌اند.^۱ مهمترین نمونه آن، روایات حج حضرت صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از جابر است که نقش محوری در حدیث و فقه حج اسلامی داشته است. مشایخ و اقران بخاری همچون حمیدی (حمیدی، بی‌تا، ج ۴ ص ۲) و ابن ابی شیبہ (ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۵۷) و مالک بن انس (مالک بن انس، الموطأ، ج ۳ ص ۵۳۲) و احمد بن حنبل (احمد بن حنبل، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۸۶۶ باب حجه النبی) و عبد بن حمید (عبد بن حمید، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵۴) و ترمذی (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۴۷۰) و ابوداؤد (ابن داؤد سجستانی، ۱۴۳۰، حج ۲ ص ۱۲۲ باب صفة حج النبی) و دارمی (دارمی، ۱۴۱۲، ج ۵ ص ۴۳۹) و ابن ماجه (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۷۴ باب التلبیه) و برخی محدثین دیگر بارها و به شکل‌های مختلف به آن پرداخته‌اند. در مورد روایات حج امام صادق علیه السلام می‌توان ادعا کرد تقریباً تمامی حدیثیان شناخته شده و هم عصر بخاری چه در طبقه مشایخ و چه در بین اقران و شاگردانش از آن بهره جسته‌اند. همچنین روایتی درباره شاهد به هنگام قضاوت (شافعی، بی‌تا، ج ۱۳۹۸؛ ترمذی، سنن ح ۱۲۶۰؛ احمد بن حنبل، ۱۴۳۱، ج ۱۳۹۹) که در بین اقران بخاری پرتکرار بوده است. حدیث مشهور دیگری که پیش از این نیز به آن اشاره شد درباره غسل پیامبر بوده که شافعی در مسند و الام (شافعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹ و ۶۴؛ الام ج ۱: ص ۴۱) و حمیدی (حمیدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۹) و مسلم (النیسابوری القشیری، ۱۳۳۴، ج ۲، ص ۴۲۵) و ابن سعد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج

۱. ر.ک «چگونگی بازتاب آموزه‌های امام صادق علیه السلام در جوامع حدیثی اهل سنت»، هوشمند مطهر، پارسا و نیز کرمی، احمد رضا، پایان نامه «تحلیل میزان و حوزه‌های اثرپذیری منابع حدیث عامه در قرن دوم و سوم از آموزه‌های امام صادق علیه السلام»، فصل سوم.

۱، ص ۴۳۰) و ابن ابی شیبہ (ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۶۵) آن را گزارش کرده‌اند. برخی روایات امام صادق علیه السلام در سیره نبوی صلی الله علیه و آله نیز مورد توجه جدی محدثین قرن دوم و سوم بوده است. (رک پارسا، ۱۳۸۹، فصل دوم) که شاید عامل آن علاوه بر جایگاه حدیثی امام صادق علیه السلام نسبت ایشان و پیامبر صلی الله علیه و آله هم بوده است. پس از اینکه موضوع دسترسی بخاری به روایات امام صادق علیه السلام از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد بخاری برای دسترسی به روایات امام صادق علیه السلام طرق مختلفی داشته و اغلب با دوراوی - که معمولاً یکی از آنها از مشایخ بخاری بوده - به روایات حضرت دسترسی داشته است، باید بینیم طرق این روایات یا برخی از آنها برای بخاری اعتبار لازم جهت نقل در الجامع الصحيح را داشته است یا خیر؟!

اعتبار سنجی (اعتماد آوری) روایات نزد بخاری

برای تعیین اعتبار روایات نزد بخاری و با توجه به نام کتاب صحیح، برمی آید که باید به دنبال ملاک صحت روایات نزد بخاری باشیم. نام کامل این اثر آنچنان که ابن صلاح معرفی نموده: الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صلی الله علیه و آله و سننه و ایامه است. (عثمان بن عبد الرحمن الشهرزی (ابن صلاح)؛ ابن الصلاح، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۸) لذا صحیح بودن (با تعریف مد نظر بخاری) را می توان محور گزینش روایات دانست و اختصار نیز حکایت از کنار گذاشتن احتمالی برخی روایات دارد. همچنان که کلامی منسوب به بخاری نشانگر این محدود سازی است. (همان، ج ۱، ص ۱۹)

اما شرط صحت در صحیح بخاری، موضوعی است که محدثین عامه برای تعیین آن با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. چرا که صحیح بخاری فاقد مقدمه است و در متن کتاب صحیح و دیگر کتبش نیز توضیحی درباره روش انتخاب روایات وجود ندارد. ابهام اصلی درباره کتاب صحیح بخاری عدم تعیین ضوابط صحت حدیث، جهت گزینش در کتاب از جانب مؤلف است.

برای حل این مسئله محدثان عامه نیز مدتی پس از بخاری به تعیین ضوابط بر مبنای برداشت‌های علمی خود داشته‌اند. با هر شرطی که بزرگان حدیث عامه بیان داشته‌اند

نمی‌توان لزوماً به ما اراد بخاری پی برد و نوع شروط بیان شده قابل تعمیم بر کل روایات کتاب نیستند. لذا مباحث دامن‌دار فراوان و اختلاف نظرهایی درباره شروط صحت بخاری وجود داشته (به عنوان نمونه رک ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷ الی ۸۰، توجیه النظر الی اصول الاثر، فصل فی بیان شروط البخاری و موضوعه، ج ۱، ص ۲۲۰) و دارد. (همچنین رک: پایان نامه همین نگارنده با عنوان نقش دیدگاه‌ها و انگیزه‌های بخاری نسبت به عدم نقل از امام صادق علیه السلام، فصل دوم، ۱۳۹۳، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران)

بنابراین چنانچه بخواهیم نشان دهیم کدام روایت امام صادق علیه السلام با مبنای گزینش بخاری صحیح بوده کاری مشکل و بدون شاخص دقیق خواهد بود. مثلاً ممکن است با ملاک حاکم نیشابوری به نتیجه‌ای برسیم که با ملاک محدثین دیگر نتیجه‌ای متفاوت حاصل شود. همچنانکه ذهبی بسیاری از روایاتی را که حاکم بر شرط بخاری دانسته ضعیف و حتی روایتی را که حاکم از وجوه مختلف صحیح دانسته و عدم انعکاسش در صحیحین وی را به تعجب واداشته است را ذهبی صحیح نمی‌داند. (روایت «الحسن و الحسین سید الشباب أهل الجنة» است. حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۸۲)

با توجه به این اختلاف نظرها و ابهام موجود، چه بسا عدول بخاری از روایات راویانی قابل اعتنا را نمی‌توان به سادگی توجیه نمود و از سویی نقل بخاری از راویانی که شهرت به ضعف داشته و در زمره بدنامان حدیث بوده‌اند، به راحتی قابل توجیه نیست. و زحمت فراوانی برای افراد شاخصی همچون ابن حجر در شرح صحیح ایجاد کرده تا نشان دهند استفاده بخاری از رجال مطعون، ضعیفی بر کتاب صحیح وارد نمی‌سازد و یا اینکه آنان افراد بد نامی نبوده‌اند. تا جایی که ابن حجر، فصلی را به این موضوع اختصاص داده است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱، الفصل التاسع فی سیاق من طعن فیہ من الرجال) این تلاش تا حدی بوده که ابن حجر در صدد توجیه استفاده بخاری از روایات فرد بدنامی همچون اسماعیل بن ابی اویس برآمده است. فردی که بزرگان رجال عامه، وی را سارق حدیث (ابن عدی الجرجانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۲۵) و ضعیف در حدیث و ضعیف العقل (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۷) دانسته‌اند و بسیاری از ضعف‌ها و حتی مشکلات



اخلاقی برایش ذکر شده است. (مغلطای، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۸۳) این تلاش‌ها در سال‌های اخیر شکل کامل‌تری به خود گرفته تا این اصل پذیرفته شده توسط بسیاری از بزرگان حدیث و رجال عامه را توضیح دهد که هر کس در صحاح از روایتی نقل نموده روایتش مقبول است خواه این شخص مقبول باشد خواه مطرود و مجروح (برای مطالعه پیشینه و دلائلی که ارائه شده رک: ابراهیم ابراهیم اوغلو، اخراج الشیخین للرواه المتکلم فیهم و اثره فی تعدیلهم او تخریجهم، المجله الدولیه لابیحات الحدیث، ۲۰۲۰م).

به هر شکل، عدم بیان شروط بخاری برای انتخاب حدیث و پیامدهای آن و نوع مواجهه دانشیان حدیث با آن، موضوع مفصلی است که پژوهشی مجزای طلبد. البته تا کنون نیز کارهایی در این زمینه انجام گرفته است. (رک: مباحثات آیه الله غیب غلامی درباره بخاری ۱۳۹۳)

در مجموع برای دستیابی به هدف دوم این پژوهش که تعیین اعتبار یا عدم طرق بخاری به روایاتی از امام صادق علیه السلام که در دسترس وی بوده است، بهتر است راهی جایگزین ارائه نماییم. راهی که با توجه به چالش‌های موجود، به ملاک‌های پسینی که برای تعیین معیارگزینش روایات در صحیح بخاری ارائه شده نپردازد.

بهترین مسیری که به نظر نگارنده رسید، تطابق اسناد روایات امام صادق علیه السلام که در دسترس بخاری بوده‌اند، با اسناد روایات صحیح بخاری است. به این ترتیب که اگر سند روایتی، تا امام صادق علیه السلام؛ یعنی سندی که از بخاری تا امام صادق علیه السلام کاملاً یکسان است، اما بجای امام از شخص دیگری گزارش کرده است، عیناً در صحیح بخاری استفاده شده باید آن طریق را جهت استفاده در کتاب صحیح روایتی مورد اعتماد و صحیح بدانیم^{۲۱}

۱. جدای از اینکه روایات را از متبعات، شواهد و یا محتجات یا انواع دیگری از دسته بندی روایات صحیح بخاری بدانیم (منظور انواع مختلف روایات به لحاظ اعتبار است که پس از بخاری به آن پرداخته شده است). چرا که اصل موضوع عدم نقل از امام صادق علیه السلام در هیچ یک از دسته‌های فوق است.
۲. ممکن است این ابهام وجود داشته باشد که آیا شخصیت حدیثی امام صادق علیه السلام برای استفاده در حدیث صحیح توسط بخاری مورد پذیرش بوده یا خیر که در پژوهشی دیگر به آن خواهیم پرداخت.



در مرحله بعد طرق حمیدی و اسحاق بن راهویه به عنوان دو شیخ بخاری را بررسی می‌کنیم تا ببینیم طرق روایات امام صادق علیه السلام در این منابع با طرق صحیح بخاری همخوانی دارند یا خیر؟! سپس به قرائن می‌پردازیم. مثلاً اگر به راویانی برخوردیم که در اسناد روایات امام علیه السلام وجود داشته‌اند و در بخاری هم از آنها استفاده شده است احتمال صحت آنها را خواهیم داد. البته با این شرط که تمامی افراد از بخاری تا امام صادق علیه السلام در اسناد کتاب صحیح حاضر باشند. گرچه به همان دلیل پیش گفته اطمینان کاملی درباره صحت این نوع سند از نظر بخاری نداریم.^۱

البته باید توجه داشت تطابق طرق روایات امام صادق علیه السلام تنها با طرق کتاب صحیح بخاری ما را به هدف خواهند رساند و در مورد دیگر کتب بخاری این کار مفید نیست. اولین جهت این است که به صرف وجود روایتی از امام صادق علیه السلام در دیگر کتب بخاری نمی‌توان به اعتماد بخاری به آن روایات جهت استفاده در صحیح پی برد. گرچه طبعاً بخاری به آن روایات دسترسی داشته است. اما شاخص‌های مؤلفین کتب حدیثی جهت انتخاب روایات در کتاب‌هایشان با هم متفاوت است. حتی برای یک مؤلف نیز معمولاً هدف و روش انتخاب روایات برای هر تألیفی متفاوت است و بر مبنای آن هدف نوع روایات و اعتبارشان شرایط متفاوتی دارد. برای بخاری با توجه به تعدد و تنوع کتب تألیفی نیز این قاعده به وضوح مشخص است. وی بسیاری از روایاتی را که در کتب دیگرش نقل کرده در صحیح خود استفاده نکرده است.

جهت دیگر این که کتب معدودی از بخاری در دسترس ما هستند. کتبی که نمی‌توان آنها را صرفاً حدیثی دانست یا با ضوابط حدیثی در حد کتب صحاح یا حتی مسانید قلمداد نمود. دسته‌ای از این کتب مانند کتاب خلق افعال العباد و الرد علی الجهمیه با رویکرد اعتقادی و کلامی نگاشته شده‌اند. بخاری در این کتب یا به اقوال اصحاب و

۱. مثلاً ممکن است شرط لقا که بسیاری از محدثین به عنوان شرط بخاری به آن اشاره داشته‌اند در بین راویان مذکور وجود نداشته باشد. البته در مورد شرط لقا باید دقت کرد که میان راوی از امام صادق علیه السلام نیز برقرار باشد که در اکثر قریب به اتفاق راویان تشکیک نشده است.

بزرگان در موضوع مورد نظرش پرداخته و یا به روایاتی در تبیین و تثبیت دیدگاه کلامی خود پرداخته است. (به عنوان نمونه: همان، باب افعال العباد، خلق افعال العباد، تمامی بابی با عنوان: ذکراهل العلم للمعطله).

دسته‌ای از این کتب نیز فقهی هستند. مانند کتاب خیر الکلام فی القراءة خلف الامام و کتاب قرة العینین فی رفع الیدین فی الصلاة و همانطور که از عناوین آنها بر می‌آید به موضوع خاص فقهی اختصاص دارند. این کتب علاوه بر روایات و اقوال صحابه، نظرات فقها، تابعین و اتباع آنان را نیز در بر می‌گیرند (به عنوان نمونه: بخاری، القراه خلف الامام ج ۱ ح ۴ و ۹، این مسئله درباره رفع الیدین فی الصلاة جدی تر است. به نظر می‌رسد بخاری در این کتاب بسیاری از ادله خود را مبتنی بر دیدگاه فقها قرار داده است و اخبار چندانی در اینباره در دسترس نداشته است. بخاری در مقدمه کتاب به دیدگاه خود و رفع دیدگاه نادرست از نظر خود اشاره می‌کند و مبنای خود را فعل و قول پیامبر و صحابه و تابعین دانسته است. رفع الیدین فی الصلاة ج ۱ ص ۱ و برای مصادیق رک تمامی کتاب).

دو کتاب تواریخ و الضعفاء الصغیر بخاری نیز به تاریخ اسلام و نیز معرفی احوال رجال حدیث اختصاص دارند. تاریخ اوسط، گاه شمار است و کتاب تاریخ کبیر و صغیر و الضعفاء الصغیر نیز به احوال رجال پرداخته‌اند. گرچه روایات متعددی در قالب روایات رجال معرفی شده است، اما هیچگاه نمی‌توان جامعیتی در حدیث برای آنان در نظر داشت؛ چرا که با مقصود دیگری تألیف شده‌اند. همچنین بسیاری از روایات موجود در تاریخ کبیر مرفوع هستند (رک الاحادیث المرفوعة من التاریخ الکبیر للبخاری سرتاسر کتاب که بالغ بر هشتصد و پنجاه روایت مرفوع از کتاب تاریخ الکبیر جمع آوری نموده است).

و نیز کتاب ادب المفرد وی که گرچه حاوی بیش از هزار روایت است، اما به آداب و سنن پرداخته و تسامح در اسناد آن مشهود است. تا جایی که البانی دو اثر با عناوین صحیح ادب المفرد (البانی، صحیح ادب المفرد، مکتبه الدلیل) و ضعیف ادب المفرد



البانی (همو، ضعیف ادب المفرد، دارالصدیق) را در دهه‌های گذشته درباره آنها نگاشت و به نقد اسنادشان پرداخت است.

در مجموع برای این منظور، نمی‌توان روی روایات و اسناد آنها، در دیگر کتب بخاری حساب ویژه‌ای باز کرد. به این معنا که روایات آنها محدود و محدود به موضوعات خاص و بسیاری از آنها مرسل یا اقوال افرادی غیر از نبی اکرم ﷺ است. لذا با رعایت تمام این اوصاف، روایات امام صادق علیه السلام در این منابع جهت تطبیق با اسناد روایات صحیح بخاری استفاده می‌شوند. در ادامه به طریقی که برای بخاری جهت استفاده در صحیح اعتماد آورده‌اند اشاره می‌شود.

اعتماد بخاری به روایات امام صادق علیه السلام

بخاری در کتب مشایخ خود، اسحاق بن راهویه و حمیدی، طریق اعتماد آوری از حاتم به امام صادق علیه السلام داشته است. طریق دیگر، اسحاق از قبیصه از سفیان ثوری از امام صادق علیه السلام است که در مسند اسحاق مورد استفاده بوده و این سند نیز برایش مورد اعتماد بوده است و با حذف حضرت صادق علیه السلام در صحیح بخاری موجود است.^۱ در این بین طریق حمیدی از سفیان که یک قسمت از اسناد پرتکرار در صحیح بخاری است، برای بخاری کاملاً شناخته شده است و در ادب المفرد خویش نیز از آن بهره جسته، اما همان‌گونه که اشاره شد در صحیح آن سند را ترک نموده و همان روایت را با سند دیگری نقل کرده است. به نظر می‌رسد این مهمترین نمونه امکان دسترسی بخاری به طرق احادیث حضرت صادق علیه السلام است که کاملاً برای بخاری اطمینان آورده تا در صحیح از آن استفاده کنند.

از میان طرق بخاری به روایات امام صادق علیه السلام مواردی به چشم می‌خورد که در صحیح بخاری از آنها استفاده شده است. و طبعاً طریقی اعتماد آور برای وی جهت استفاده در کتاب صحیحش بوده‌اند. البته از تمامی این طرق بدون حضور امام صادق علیه السلام (یعنی

۱. گرچه طریق مذکور در مسند اسحاق برای روایتی مسند استفاده نشده، اما امکان استفاده در بخش‌هایی از صحیح بخاری که روایاتش مسند نبوده‌اند وجود داشته است.

از بخاری تا راوی حدیث از حضرت صادق (ع) استفاده شده است که اینها چهار مورد هستند. موسی بن اسماعیل از وهیب، عبدالله بن مسلمه از سلیمان، عبدالله بن محمد از سفیان بن عیینه و خالد بن مخلد از سلیمان که دو مورد اول را برای روایاتی مسند استفاده نموده و دو مورد بعدی را برای روایات غیر مسند استفاده کرده است. لذا دو طریق اول کاملاً برای بخاری جهت استفاده در صحیح، اعتماد آور بوده‌اند و در دو مورد بعدی با توجه به دسترسی به این طرق احتمال دسترسی وی به روایاتی مسند از امام صادق (ع) از این دو طریق وجود داشته، گرچه قطعی نیست.

در کنار این طرق که بخاری جهت نقل روایات امام صادق (ع) به آنان دسترسی و اعتماد داشته ردپاهای دیگر از احتمال دستیابی بخاری به طرق اعتماد آور روایات امام صادق (ع) به چشم می‌خورد. از جمله تسلط وی به روایات و طرق راویان مهم آن حضرت مانند سفیان ثوری، حاتم بن اسماعیل، مالک بن انس، ابن جریج و حتی یحیی بن سعید که مسیر مناسبی برای دستیابی بخاری به روایات اطمینان آور امام صادق (ع) بوده است، چراکه نوع این افراد شاگردان معتبر و قابل اعتمادی داشته‌اند و بخش عمده‌ای از شاگردان آنان نزد عامه ثقات بوده‌اند. همچنین وجود روایات متعدد نزد مشایخ بخاری و مؤلفین هم عصر وی این راه را آسانتر می‌ساخته است. آگاهی بخاری نسبت به راویان دیگر آن حضرت و ذکر حضرت صادق (ع) به عنوان تنها شیخ یا یکی از مشایخ ایشان و اشاره وی به برخی راویان بدنام امام صادق (ع) و ذکر ضعف‌های آنان نیز قرائنی است که به دسترسی بخاری به طرق اعتماد آور دیگری از آن حضرت کمک می‌کرده است. در مجموع بخاری با طرق مختلف اعتماد آوری به روایات امام صادق (ع) جهت نقل در صحیحش آگاهی و دسترسی داشته است.

جمع‌بندی

بررسی طرق بخاری به امام صادق (ع) در کتب وی بجز صحیح، نشانگر دسترسی وی به روایات امام صادق (ع) است. این طرق را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. دسته اول طرقی هستند که عیناً در صحیح بخاری استفاده شده‌اند و شش مورد هستند.

سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱



موسی بن اسماعیل از وهیب، عبدالله بن سلمه از سلیمان، عبدالله بن محمد از سفیان بن عیینه، خالد بن مخلد از سلیمان، قبیصه از سفیان و حمیدی از سفیان که این آخری طریق مهمی برای بخاری بوده است. این‌ها بی‌تردید اسنادی صحیح و قابل اطمینان برای بخاری جهت استفاده در صحیح بخاری بوده‌اند.

دسته دوم اسنادی هستند که عیناً در صحیح بخاری از آنها استفاده نشده‌اند، اما روایانشان تا امام صادق علیه السلام در صحیح بخاری مورد استفاده بوده‌اند. این طرق نیز پنج مورد هستند. عبدالعزیز بن عبدالله از دراوردی، سلیمان بن سعید از حفص، ابراهیم بن حمزه از انس بن عیاض، حمیدی از ابن ابی فدیك (ابن ابی فدیك در اسناد صحیح بخاری حضور ندارد) و یحیی بن آدم از حفص بن غیاث. درباره این اسناد نمی‌توان حکم قطعی به اعتماد بخاری به آنها را صادر نمود، چرا که ممکن است دلایلی مثل عدم تحقق شرط لقا در آنها رخ داده باشد. اما می‌توان احتمال داد بخاری نسبت به آن اسناد اعتماد داشته است.

دسته سوم تنها یک یا به شمارش دیگری دو روایتی هستند که بخاری از امام صادق علیه السلام نقل کرده، اما طرق و حتی روایان آن در صحیح بخاری به کار گرفته نشده‌اند. این طرق رانمی‌توان مناسب استفاده در صحیح بخاری دانست.

از سویی دیگر برای دسترسی بخاری به روایات امام صادق علیه السلام از طریق شاگردان آن حضرت، بهترین شخص سفیان ثوری بوده است. پنج طریق از طرق بخاری به سفیان که در صحیح استفاده شده‌اند، طرقي هستند که در منابع دیگر قرن سوم از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند. در بین این پنج طریق، سه تای آنها در صحیح بخاری پرکاربرد بوده‌اند. این سه مورد وکیع از سفیان، محمد بن کثیر از سفیان و قبیصه بن عقبه از سفیان هستند. همچنین حاتم بن اسماعیل وضعیت نسبتاً مشابهی داشته است. بخاری از سه طریق استفاده شده در صحیحش از حاتم، امکان استفاده از روایات امام صادق علیه السلام را داشته است. البته ابن ابی شیبه از مشایخ بخاری نیز از طریق حاتم از امام صادق علیه السلام نقل روایت کرده است. در کنار سفیان و حاتم، برخی دیگر از شاگردان امام صادق علیه السلام از روایان استفاده شده در صحیح بخاری بوده‌اند. سلیمان بن بلال، ابن جریج، حفص بن

غیاث، یحیی بن سعید، درآوردی برخی از آنها هستند. همچنین کتب رجال و تاریخی بخاری نشان می‌دهند وی برخی از شاگردان حدیثی امام صادق علیه السلام را به خوبی شناسایی کرده و به روایات آنان دسترسی داشته است. بخاری از طریق برخی مصادر خود همچون مسند حمیدی و مسند اسحاق بن راهویه و مصنف عبدالرزاق نیز به احادیث امام صادق علیه السلام دسترسی داشته است. در کنار این موارد روایاتی از امام صادق علیه السلام در قرن سوم شهرت داشته‌اند و کمتر کتاب حدیثی شناخته شده خالی از آنها است که روایات مسند امام صادق علیه السلام درباره حج پیامبر مهمترینشان هستند. نیز روایتی درباره غسل پیامبر صلی الله علیه و آله که علاوه بر منابع مختلف، بخاری هم آن را با سندی نقل کرده که در صحیحش از آن سند استفاده کرده است. بخاری اما این روایت را در صحیح با سندی دیگر نقل کرده است. تمامی موارد فوق نشان می‌دهد در قرن سوم دسترسی محدثی سختگیر همچون بخاری به روایاتی با اسناد قابل اعتماد از امام صادق علیه السلام کاری ممکن بوده است. این دسترسی فراتر از بوم‌های مختلف و مکاتب حدیثی مختلف بوده است، به طوری که تقریباً هیچ منبع حدیثی از روایات حج امام صادق علیه السلام تهی نیست. در مجموع باید گفت بخاری طرق معتبری به امام صادق علیه السلام داشته است و از معدودی از آنها در کتب خود غیر از صحیح استفاده کرده است و این در حالی است که در کتب مشایخ خود به آنها دسترسی داشته است. به این جهت و جهات پیش گفته، به نظر می‌رسد عدم نقل بخاری از امام صادق علیه السلام به علت عدم دسترسی یا عدم اعتماد (به برخی از آن روایات) نبوده است. همچنین حداقل در مورد برخی روایات حضرت صادق علیه السلام، عدم اسناد تا پیامبر صلی الله علیه و آله و عدم اعتبار یا دسترسی با سند معتبرتر برای بخاری را نمی‌توان متصور بود و آن را دلیلی بر عدم نقل بخاری در صحیح دانست، چرا که آن روایات مسند و مشهور و مورد اعتماد بوده‌اند و حتی خود بخاری به طرقی که در آن روایات وجود داشته اعتماد می‌کرده است.^۱

۱. نگارنده لطف استاد ارجمند آیه الله غیب غلامی و همیاری دوست پژوهشگر دکتر محمد قندهاری را

فهرست منابع

۱. کرمی، احمد رضا، مقبولیت حدیث امام صادق علیه السلام در مدینه براساس مقایسه شاخص‌های حدیثی، سفینه، بهار ۱۳۹۹.
۲. مطهرپارسا، هوشمند، «چگونگی بازتاب آموزه‌های امام صادق علیه السلام در جوامع حدیثی اهل سنت»، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۳. حامد خانی (مهروش)، فرهنگ، مشیخه ابان بن تغلب در طبقه صحابه و تابعین، دوفصل نامه حدیث پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۴. مباحثات آیه الله غیب غلامی درباره بخاری ۱۳۹۳.
۵. پاکتچی، احمد. مدخل جعفر بن محمد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. به کوشش: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۶. پایان نامه تحلیل وجود راویان منتسب به تشیع در صحیح بخاری، نمکی نوقاب، حسن، ۱۳۹۵ ش، سرتاسر.
۷. نقش دیدگاهها و انگیزه‌های بخاری نسبت به عدم نقل از امام صادق علیه السلام، فصل دوم، ۱۳۹۳ ش، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران.
۸. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، السنة لابن ابی عاصم. المحقق: محمد ناصرالدین الألبانی، الطبعة الأولى، بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۴۰۰ م.
۹. ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن بن محمد، الجرح والتعديل. طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة - بحیدرآباد الدکن، بی تا.
۱۰. ابن اثیر، مبارک بن محمد، جامع الاصول فی احادیث الرسول، بیروت: عبد القادر ارناؤوط، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
۱۱. ابن داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، المحقق: شعیب الأرناؤوط - محمّد کامل قره بللی، الطبعة الأولى، بی جا، دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ ق - ۲۰۰۹ م.
۱۲. ابن زنجویه، ابواحمد حمید بن مخلد، الاموال، تحقیق: شاکر ذیب فیاض، مرکز الملك فیصل للبحث و الدراسات الاسلامیة، ۱۴۰۶ ق/ ۱۹۸۶ م.
۱۳. ابن ابی شیبہ، ابوبکر، مصنف ابن ابی شیبہ، جدة، دار القبلة: الطبعة الأولى، دمشق: مؤسسة علوم القرآن، ۱۴۲۷ ق/ ۲۰۰۶ م.

برای کمک به نگارش این مقاله سپاس می‌گزارد.



۱۴. ابن تیمیّه، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۰۶ق.
۱۵. ابن حبان، محمد بن حبان البُستی، الثقات، طبع بإعانة وزارة المعارف للحكومة العالیة الهندیة، الطبعة الأولى، دائرة المعارف العثمانیة بحیدرآباد الدکن الهند، ۱۳۹۳ق/ ۱۹۷۳م.
۱۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، النکت، المدینة المنورة: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۱۷. -----، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر، ۱۴۰۴ق.
۱۸. -----، فتح الباری، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۷۹ق.
۱۹. ابن خزیمه، ابوبکر محمد بن اسحاق، صحیح ابن خزیمه، محقق د. محمد مصطفی الأعظمی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۹۰ق.
۲۰. ابن سعد، محمد بن سعد البغدادی، طبقات، به کوشش محمد عبد القادر عطا، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق- ۱۹۹۰م.
۲۱. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن. مقدمه ابن صلاح، سوريا: دار الفکر، بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۰۶ق.
۲۲. ابن عدی الجرجانی، عبد الله، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود - علی محمد معوض، الطبعة الأولى، بیروت: الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق- ۱۹۹۷م.
۲۳. ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن یزید، سنن، دار إحياء الکتب العربیة، بی.تا.
۲۴. ابن معین، یحیی بن معین، تاریخ ابن معین (روایة الدورى)، د. أحمد محمد نور سیف، الطبعة الأولى، مكة المكرمة: مرکز البحث العلمي وإحياء التراث الإسلامي، ۱۳۹۹ق.
۲۵. ابویعلی، احمد بن علی، مسند، المحقق: حسین سلیم أسد، الطبعة الأولى، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق.
۲۶. احمد بن حنبل، مسند احمد، جمعیة المکنز الإسلامی، الطبعة الأولى، دار المنهاج، ۱۴۳۱ق- ۲۰۱۰م.
۲۷. اسحاق بن راهویه، أبویعقوب إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن إبراهيم، مسند اسحاق بن راهویه، المحقق: د. عبد الغفور بن عبد الحق البلوشي، الطبعة الأولى، المدینة المنورة: مكتبة الإيمان، ۱۴۱۲ق.
۲۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، ادب المفرد، محقق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار البشائر، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
۲۹. -----، تاریخ الاوسط، قاهره: دار الوعی، مكتبة دار التراث، ۱۳۹۷ق/ ۱۹۷۷م.

۳۰. -----، التاريخ الكبير، حيدرآباد - الدكن، دائرة المعارف العثمانية، طبع تحت مراقبة: محمد عبد المعيد خان، بی تا.
۳۱. -----، التاريخ الصغير، بيروت: دار المعرفة، بی تا.
۳۲. -----، الصحيح، به كوشش مصطفى ديب بغا، بيروت: بی تا، ۱۴۰۷ق - ۱۹۸۷م.
۳۳. بدر الدين العيني، ابو محمد محمود بن احمد، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بيروت: دار احياء التراث العربى، بی تا.
۳۴. البكجری، مغلطای بن قليج بن عبد الله المصرى الحكرى، إكمال تهذيب الكمال، الطبعة الأولى، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، ۱۴۲۲ق - ۲۰۰۱م.
۳۵. -----، مدخل بخارى، ابو عبد الله، دائرة المعارف بزرگ اسلامى. به كوشش: كاظم موسوى بجنوردی، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ۱۳۹۱ش.
۳۶. ترمذی، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۹ق.
۳۷. الجديع، عبد الله بن يوسف، تحرير علوم الحديث، بيروت: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۴ق.
۳۸. حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، به كوشش مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ق.
۳۹. حميدى، عبد الله بن الزبير، مسند الحميدى، بی جا: دار السقا، بی تا.
۴۰. الحوينى الاثرى حجازى، ابواسحاق محمد شريف، شرح صحيح البخارى، دروس صوتية قام بتفريغها موقع شبكة اسلامية. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۵ق.
۴۱. خطيب بغدادى، احمد بن على بن ثابت، الكفاية فى علم الرواية، به كوشش ابو عبد الله سورتنى و ابراهيم حمدى مدنى، مدينه، المكتبة العلمية. بی تا.
۴۲. خطيب بغدادى، احمد بن على بن ثابت، تاريخ بغداد وذيوله، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
۴۳. -----، تلخيص المتشابه فى الرسم وحماية ما أشكل منه عن بواذر التصحيح والوهم، به كوشش: سكينه شهابى، دمشق: دار طاس، ۱۹۸۵م.
۴۴. دارمى، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل، سنن دارمى، تحقيق: حسين سليم أسد الداراني، دار المغني للنشر والتوزيع، ۱۴۱۲ق.



۴۵. ذهبی، شمس‌الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان، المغنی فی الضعفاء، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق.
۴۶. -----، سیر أعلام النبلاء، مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط. الطبعة الثالثة، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
۴۷. -----، میزان الاعتدال، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق / ۱۹۶۳.
۴۸. شافعی، أبو عبد الله محمد بن إدريس. اختلاف الحديث للشافعی. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰ م.
۴۹. شافعی، أبو عبد الله محمد بن إدريس. الأم للشافعی. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.
۵۰. -----، المسند، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
۵۱. الصدیقی، محمد اشرف، عون المعبود شرح سنن ابی داود، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۵۲. الصنعانی، عبد الرزاق بن همام، مصنف عبد الرزاق، الطبعة الثانية، بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۰۳ق - ۱۹۷۰: ۱۹۸۳ م.
۵۳. الضبی البغدادی، ابوبکر محمد بن خلف، اخبار القضاة، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹ م.
۵۴. عبد بن حمید، المنتخب من مسند عبد بن حمید. الطبعة الأولى، بیروت: عالم الکتب - مکتبة النهضة العربیة، ۱۴۰۸ق - ۱۹۸۸ م.
۵۵. عقیلی، محمد بن عمرو. الضعفاء الکبیر. مصحح عبد المعطی امین قلجی، بیروت: دار المکتبة العلمیة، ۱۴۰۴ق.
۵۶. فاکهی، محمد بن اسحاق. اخبار مکه. المکی الفاکهی، أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن العباس. أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه. المحقق: د. عبد الملك عبد الله دهيش، بیروت: دار خضر، ۱۴۱۴ق.
۵۷. المدینی، ابی موسی، اللطائف من دقائق المعارف، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹ م.
۵۸. مروزی، محمد بن نصر، السنة، ریاض: دار العاصمه، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱ م.
۵۹. المزی، جمال الدین، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، المحقق: د. بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق - ۱۹۸۰ م.
۶۰. صنوبر، احمد، اسباب عدول الامام البخاری عن التخریج للامام جعفر الصادق فی صحیحه، مؤتمر الانتصار للصحيحين، جامعه الاردنيه، ۲۰۱۰ م.
۶۱. نسائی، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.



۶۲. النیسابوری القشیری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار الجیل، مصورة من الطبعة التركية المطبوعة فی استانبول، ۱۳۳۴ ق.
۶۳. العتب الجمیل علی اهل الجرح والتعدیل، باب الثانی، فی من جرحوهم من اهل البيت علیه السلام.
۶۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، القراه خلف الامام، المكتبة السلفية، ۱۴۰۰ ق.
۶۵. احمد محمد بن عبد الكريم بن عبيد، الاحادیث المرفوعة من التاريخ الكبير للبخاری، مكتبة الرشد، ۱۴۲۹ ق.
۶۶. كشی، محمد بن عمرو، اختیار معرفه الرجال، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۶۷. الحویني الاثری حجازی، اسحاق، شرح صحیح البخاری، ۱۴۰۵ ق.
۶۸. محمد بن ادريس، ۱۴۱۰، ح ۲۱۱۰.
۶۹. الازرقی، محمد بن عبدالله ابولید، اخبار المکة، دار الاندلس، ۱۴۱۶.

70. The Canonization of al-Bukhārī and Muslim, Jonathan Brown, Koninklijke Brill NV, Leiden